

گونه‌شناسی ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی

محمد لکزائی^۱ زهرا قاسمی^۲ منیژه نویدنیا^۳

DOI: 10.22034/jcsc.2020.39792

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۴، تاریخ تایید: ۹۷/۸/۴

چکیده

مفهوم ارزشها یکی از مهمترین مفاهیم حوزه‌های مختلف علوم انسانی بخصوص جامعه‌شناسی است. علیرغم مهم و کلیدی بودن نقش ارزشها در نظریه توافقی و دیگر نظریات جامعه‌شناسی، گونه بندی مدونی تاکنون بر اساس مکاتب جامعه‌شناسی به صورت تلفیقی صورت نگرفته است. هدف از این تحقیق ضمن شناسایی ارزشهای اجتماعی، به گونه بندی آن در حوزه عمومی با روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد دیالکتیکی می‌باشد. بدین منظور ارزشهای اجتماعی در هر حوزه بر اساس دیدگاههای اندیشمندان جامعه‌شناسی در نظریه‌های توافقی، تضادی، کنش متقابل نمادین، انتخاب عقلانی مورد مطالعه قرار گرفت، مشاهده گردید این دسته بندیها با طبقه بندی ارزشهای شوارتز انطباق زیادی دارد. از این رو گونه بندی انجام شده بر اساس مولفه‌های دهگانه ارزشی شوارتز یعنی (۱- قدرت ۲- منابع ۳- موفقیت ۴- لذت جوی ۵- برانگیختگی ۶- خیرخواهی ۷- سنت ۸- همنوایی ۹- جهانگرایی ۱۰- ایمنی) انجام شد. همچنین مشخص شد گونه‌های مختلف ارزشی از پنج کنش بنیادین دیگر (۱- تامین زیستی ۲- تایید طلبی ۳- سلطه ۴- خودیابی ۵- ایمن سازی) تشکیل شده که گرایشهای فردی و جمعی از آن نشأت گرفته است. بر اساس اصل دیالکتیک، پدیده‌های اجتماعی همواره در حال تغییر و تحول هستند حتی در زیر پوسته ارزشهای اجتماعی جمعی و داوطلبانه نیز نوعی تغییر مستمر، ستیزه و تضاد منافع وجود دارد که با مدرنیته شدن و عقلانیت فزاینده بر سرعت تغییر و تنوع آن افزوده شده، یعنی ارزشهای اجتماعی جمعی نیز در سیطره ارزشهای فردی قرار می‌گیرند. گونه بندی و معرف سازی صورت گرفته در واقع سنجش این تغییرات در عرصه عمومی جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: ارزشهای اجتماعی، حوزه عمومی، دیالکتیک، ارزشهای فردی، ارزشهای جمعی

۱ دانشجوی دکترای مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ پست الکترونیکی: m.lakzaee59@gmail.com

۲ استادیار و عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول؛ پست الکترونیکی: zahraghasemisst@gmail.com

۳ استادیار و عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار؛ پست الکترونیکی: Navidnia @ yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

ارزشها یکی از عناصر بنیادین فرهنگ در تعیین و ساخت دهی شیوه های عمل، احساس و اندیشه جوامع بشری هستند و در بروز کنشهای اجتماعی^۱، نقش کلیدی دارند. ارزشها در واقع انعکاسی از نحوه رفع نیازهای مادی و روانی انسانها بر اساس الگوهای پایدار ارتباط متقابل و روابط اجتماعی گروههای اجتماعی و فکری هستند، که بر سر اصول و بنیانهای خاص آرمانی و یا واقعی توافق نسبی یا کامل دارند. ارزشها شالوده فرهنگی و نقطه بنیانی در انسجام بخشی گروههای اجتماعی^۲ محسوب می‌شوند و نقطه حایل، خط کش و معیار بین هنجارها و ناهنجارها متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی هستند.

مفهوم جامعه شناختی ارزشها با تلقی ارزش در سایر حوزهها تفاوت اساسی دارد. مفهوم فلسفی ارزشها بیشتر صبغه ذاتی مطلق دارد. مفهوم روان شناسی ارزشها صبغه فردی و رفتار ارگانیک دارد. مفهوم انسان شناسی ارزشها بر بُعد فرهنگی آن تمرکز بیشتری دارد و هم چنین مفهوم اقتصادی ارزشها که بیش تر بر روابط مبادله ای متمرکز است. اقتصاددانان و فیلسوفان اقتصادی بیش از همه به مسئله ارزشها پرداخته اند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

اگر تاریخ شکل گیری جامعه‌شناسی در اندیشه پیشقراولان جامعه‌شناسی را مورد مذاقه قرار دهیم، یکی از مهمترین موضوعات و چالشهایی که آنان را به اندیشیدن جامعه عصر خویش سوق داده، انحراف از ارزشهای مطلوب و آرمانی جامعه بوده، اگوست کنت^۳ از انقلاب و آشوبهای به وجود آمده در جامعه فرانسه و بی نظمی در سامان جامعه گریزان بود. در نظریه تضاد طبقاتی مارکس در واقع انحراف از ارزشهای مالکیت تولید در طول تاریخ و رسیدن به جامعه بی طبقه است که وی را به مبارزه علیه نظام سرمایه داری سوق داده بود. از دیدگاه ماکس وبر عقلانیت فزاینده و بروکراتیک شدن نظام اداری در غرب، سبب ایجاد قفس آهنین شده و انسان غربی را از ارزشهای مطلوب انسانی و اخلاقی جامعه دور ساخته است. دورکیم در نظریه خودکشی اذعان می‌دارد خودکشی خودخواهانه، خودکشی بی هنجاری اجتماعی و تقدیرانه وقتی شخص خود را آنقدر از پیکره و ارزشهای جامعه جدا می‌بیند دست به خودکشی می‌زند و در خودکشی دگرخواهانه، شخص آنقدر به ارزشهای گروه به صورت افراطی وفاداری نشان می‌دهد که حتی جان خویش را فدای ارزشهای جمعی می‌کند.

1 Social actions

2 Social groups

3 Auguste Comte

همانگونه که ملاحظه می‌گردد برای جامعه شناسان اولیه تاکید بر منافع و ارزشهای جامعه و توجه به انسجام و وفاق اجتماعی حائز اهمیت بوده است. با توسعه و رشد علوم اجتماعی و گسترش اندیشه‌های اجتماعی، مکاتب مختلفی از جمله توافق، تضاد، کنش متقابل نمادین^۱، انتخاب عقلانی^۲... شکل گرفت. هر یک از این مکاتب با توجه به اصول موضوعه و دیدگاهی خویش، به مقوله ارزشها به گونه ای توجه داشتند؛ لذا همانگونه که ارزشها در دیدگاه توافق به صورت صریح دیده و پرداخته می‌شود جایگاه ارزشها در سایر دیدگاه‌های جامعه‌شناسی به وضوح روشن نیست و گونه بندی و تقسیم بندی خاصی در این خصوص صورت نگرفته است.

یکی از نمودهای مهم ارزشها در جامعه، حضور آن در عرصه عمومی است. در مورد حیات اجتماعی جوامع، سه حوزه خصوصی^۳، حاکمیتی^۴ و عمومی^۵ را برشمرده اند که در آن به یک معنا حوزه خصوصی به حریم شخصی افراد و در معنی دیگر آن را به فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی اشاره دارد؛ حوزه حاکمیتی به حضور دولت و قانون می‌پردازد همچنین حوزه عمومی به فعالیت سازمانهای غیردولتی^۶ و انجمن‌های نهادی اشاره دارد. مراد از این سازمانها و انجمنها، تشکّل یا سازمانی از گروه‌های داوطلب مردمی است که غیردولتی، غیرانتفاعی بوده و هدف آن رفع نیاز کُل جامعه یا گروه‌هایی از جامعه می‌باشد (بهاء الدین، ۱۳۸۴: ۱۷). مستقل، بدون وابستگی به دولت است که توسط افرادی خیرخواه و بشردوست اداره می‌شود. آنها برای انجام هدفی مشترک و معین گرد هم آمده اند تا خدمات مشخصی را به صورت داوطلبانه و غیر انتفاعی انجام دهند و نسبت به مردمی که برای خدمت به آنها اعلام موجودیت نموده اند، احساس مسئولیت کنند (منوری، ۱۳۸۳: ۴۹). در جهت تحقق اهداف انسان‌دوستانه مانند افزایش و تقویت منافع تهی‌دستان و نیازمندان، کاهش فقر، رفع تبعیض، حفظ محیط زیست، کاهش آلام و دردهای بشری و ... به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها که ریشه در تاریخ گذشته‌ی بشر دارند، پس از دولت و بخش خصوصی به عنوان سومین محور توسعه قلمداد می‌شوند (کاربخش راوری و تویسرکانی راوری، ۱۳۸۱: ۶۰).

1 Social interaction

2 Rational choice

3 Private sphere

4 Public sphere

5 Public authority

6 Non-governmental organizations

ارزشهای جوامع انسانی بعنوان یک جریان پویا همیشه از گذشته‌های دور تا کنون در حال تغییر و حرکت بوده و در جامعه‌شناسی یکی از شاخص‌های مهم تغییرات جامعه میزان تغییر در ارزشهای فردی و جمعی افراد جامعه می‌باشد. با مدرنیته شدن جوامع، نظام ارزشها نیز دستخوش تغییراتی سریع شده است و این تغییرات در عرصه‌های خصوصی، حاکمیتی و عمومی جامعه نیز قابل مشاهده و رصد هستند. در عرصه عمومی که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همدلی و همگرایی تبلور فراوانی دارد با مدرنیته شدن با چالشها و تغییرات همراه شده است. سوالی که پیش می‌آید آیا ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی بر توافقی و همگرایی مبتنی است یا با توجه به مدرنیته شدن و پیچیده شدن روابط اجتماعی، ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی دچار تفرد شده است؟

اهداف تحقیق

- ۱) شناخت نظریات اندیشمندان مطرح در حوزه ارزشهای اجتماعی؛
- ۲) گونه بندی ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی بر اساس دیدگاه‌های اندیشمندان حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی؛
- ۳) معرف سازی مفهوم ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی.

بنیان‌های نظری تحقیق

تاکنون طبقه‌بندی‌های گوناگونی از مفهوم ارزشها در رشته‌های مختلف شده در اینجا به اجمال به چند تقسیم بندی اشاره می‌گردد: **گرادیس**^۱، طبقه بندی ارزشهای شخصی و شیوه زندگی افراد را مورد مذاقه قرار می‌دهد. این تحقیق ارزشهای افراد را به هفت گروه تقسیم می‌کند. -ارزشهای واکنشی^۲: این افراد، به عنوان انسان از موجودیت خود و دیگران هیچ اطلاعی ندارند و براساس نیازهای فیزیولوژیکی از خود واکنش نشان می‌دهند. -ارزشهای قبیله‌ای^۱: از ویژگی این افراد آن است که بسیار وابسته‌اند. آنها به شدت تحت تأثیر و نفوذ سنت و قدرتی هستند که به وسیله مقامات اعمال می‌شود.

1 Gradis

2 Reactive values

- ارزشهای خود محور^۲: این اشخاص به شدت خود محور و خویشتن بین هستند آنان بسیار پرخاشگر و خود خواه اند. اصولاً در برابر قدرت واکنش نشان می‌دهند.
- ارزشهای انطباقی^۳: این افراد تحمل ابهام را ندارند، به زحمت می‌توانند ارزشهایی را که با ارزشهای خودشان متفاوت است و همواره آرزو می‌کنند که دیگران ارزشهای آنان بپذیرند.
- ارزشهای نفوذگرا^۴: این افراد با دستاویز قرار دادن مردم و نفوذ در آنها به هدف های خود برسند. آنان به دنبال مادیات هستند و همواره می‌کوشند تا به موقعیت های بالاتر رسیده و شهرت بیشتری کسب نمایند.
- ارزشهای اجتماع محوری^۵: افراد بیشتر در پی این هستند تا دیگران آنها را دوست بدانند و می‌کوشند تا همدوش و پایه پای دیگران حرکت کنند.
- ارزشهای وجود گرایی^۶: این افراد در برابر مسائل مهم و نیز در برابر کسانی که ارزشهای متفاوتی دارند بسیار بردبارند. آنان درباره سیستم های انعطاف پذیر، سیستم های بسته و محدود درجه‌ها و نشانه های اداری و سازمانی و سوء استفاده از قدرت حرف های زیادی برای گفتن دارند(رابینز، ترجمه پارسائیان و اعرابی، ۱۳۷۴: ۹۸).
- گرت هافستد^۷** ارزشهای فرهنگی ملتها را بر اساس چهار شاخص مشخص می‌کند:
- ۱- برخی برای همه افراد قایل به استقلال هستند، اما دیگران بر این باورند که افراد بایستی متکی بر دیگران باشند.
 - ۲- برخی جوامع بیش از دیگران نگران عدم اطمینان و مخاطره جویی هستند.
 - ۳- برخی از جوامع چارچوب آزاد را که در آن افراد مسئول حمایت و مراقبت از خودشان هستند، می‌پسندند. جوامع دگرخواهان جمع گرایی بیشتر، خانواده‌های به هم نزدیکتر و صمیمی تر و سازمانهایی هستند که حافظ منافع آنها بوده و در ازاء آن انتظار وفاداری از آنها را داشته باشند.
 - ۴- بعضی کشورها در نگرشهای خود بیشتر مردانه فکر می‌کنند دارای شخصیت قوی و مطمئن به خود بوده و به کسب پول ارجح می‌نهند و به چگونگی زندگی دیگر افراد اعتنایی ندارند. ملیتهای دیگر در نقطه مقابل اینان بوده و تدریجاً به ارزشهای زنانه متمایل شده‌اند (فرهمند، ۱۳۹۰: ۶۶۷).

1 Tribal values
 2 Self-centered values
 3 Adaptive Values
 4 Impact values
 5 Community-based values
 6 Existential values
 7 Geert Hofstede

شوارتز^۱، بر اساس نظریه روکیچ^۲، نظریه ی خود را درباره ی ارزشها مطرح می کند و مقیاسی برای اندازه گیری ارزشها تهیه نموده است. بر همین اساس، ارزشها، اهداف فراموقعیتی هستند که به منزله اصول راهنما در خدمت زندگی فرد یا گروه قرار داشته و اهمیت متفاوتی دارند. با توجه به فرض شوارتز ارزشها همان اهداف هستند، بنابراین سه ملاک تشخیص ابعاد ارزشی عبارتند از: نخست، ارزشها ممکن است در خدمت منافع فردی یا جمعی باشن. دوم، ارزشها ابزاری^۳ هستند و سوم، ارزشها ی برخاسته از سه نیاز اساسی بشر (یعنی نیازهای زیست شناختی، نیاز به تعامل اجتماعی و نیازهای رفاهی) است (شوارتز، ۱۹۹۴: ۲۵).

فهرست ابعاد ارزشهای دهگانه و ارزشهای متعلق به هر بعد به شرح زیر است:

- ۱- ارزش قدرت^۴: وضعیت اجتماعی و منزلت، کنترل یا تسلط بر مردم و منابع. ۲-ارزش موفقیت^۵: موفقیت شخصی از طریق نشان دادن صلاحیت با توجه به استانداردهای اجتماعی.
 - ۳- ارزش لذت جویی^۶: لذت و رضایت مندی برای خود. ۴-ارزش برانگیختگی^۷: نوآوری و چالش در زندگی. ۵-ارزش استقلال^۸: ایده های مستقل و انتخاب عمل، ایجاد، کاوش. ۶-ارزش خیرخواهی^۹: حفاظت و تقویت رفاه مردم که با آنها تماس فردی مکرر داشته است. ۷-ارزش سنت^{۱۰}: احترام، تعهد و پذیرش آداب و رسوم و ایده هایی که فرهنگ و مذهب سنتی خود را به وجود می آورند. ۸-ارزش همنوایی^{۱۱}: خودداری از نقض انتظارات اجتماعی رسمی و غیر رسمی. ۹-ارزش جهانگرایی^{۱۲}: درک، قدردانی، صعه صدر و حمایت از رفاه همه مردم و طبیعت. ۱۰- ارزش ایمنی^{۱۳}: امنیت، هماهنگی و ثبات روابط خود و جامعه (Schwartz, 2006).
- پس از گونه بندی هایی که از ارزشها در برخی از رشته ها علوم انسانی، به اجمال اشاره گردید؛ حال قصد داریم ارزشهای اجتماعی در دیدگاه های مختلف جامعه شناسی را مورد کنکاش قرار دهیم.

1 Schwartz
2 Ruckich
3 Instrumental
4 Power
5 Achievement
6 Hedonism
7 Self-Direction
8 Stimulation
9 Benevolence
10 Tradition
11 Conformity
12 Universalism
13 Security

توافق‌گرایان برای ارزش‌ها جایگاه بلندی قائلند به طوری که ارزش‌ها در منابع کارکردی به عنوان نظام‌های ارزشی ظاهر می‌شوند که در عمل مشارکت‌کنندگان در کنش اجتماعی ساختمانند، راه می‌یابد و به کنش آن‌ها انسجام، صورت و شکل می‌دهد. ارزش‌ها منضم به الگوی ساختار کنش می‌شود و اساس و بنیان قضاوت‌ها درباره متناسب بودن و معقول بودن، درست و غلط بودن و خوب و بد هستند. از این دیدگاه، ارزش‌ها نمی‌تواند فردی و منحصر به فرد باشد. ارزش‌ها باید جهان خصوصی فرد و جنبه‌های بیرونی، اجتماعی و عمومی کنش‌های او را به هم مرتبط سازند (سی‌رایت میلز، ۱۳۷۰: ۲۳).

ارزش‌ها در اندیشه امیل دورکیم^۱ بعنوان یکی از صاحب‌نظران مهم نظریه توافقی جایگاه خاصی دارد؛ وی معتقد است همبستگی مکانیکی در جامعه‌ای رواج دارد که افکار و گرایش‌های مشترک اعضای جامعه از نظر کمیت و شدت از افکار و گرایش‌های شخصی اعضای آن بیشتر باشند. این همبستگی تنها می‌تواند به نسبت معکوس رشد فردیت، پرورش یابد. به عبارتی همبستگی مکانیکی^۲ در جایی رواج دارد که حداقل تفاوت‌های فردی وجود داشته باشند و اعضای جامعه از نظر دلبستگی به‌خیر همگانی، بسیار همسان یکدیگر باشند. همبستگی ناشی از همانندی، زمانی به اوج خود می‌رسد، که وجدان فردی یکایک اعضای جامعه منطبق با وجدان جمعی پرورش یابد و از آن نظر با آن یکی شود. برعکس، همبستگی ارگانیک^۳ نه از همانندی‌های افراد جامعه؛ بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد. این‌گونه همبستگی فرآورده‌ی تقسیم کار است. هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند، تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد (کوزر، ۱۳۷۷: ۱۹۰).

آنچه برای دورکیم، ارزش اساسی تلقی می‌شود، همانا نظم اجتماعی معطوف به انسجام و همبستگی اجتماعی است که ملاکی است برای یک جامعه متعادل، خوب و به‌هنگام که آن خود نیز مستلزم یک سری تغییرات و اصلاحات ساختاری است که تأمین‌کننده ی هماهنگی اجزاء و بخش‌های مختلف جامعه، اختیار و آزادی فردی، شایسته‌سالاری، تعهد اجتماعی بالا به ارزش‌ها و اهداف جمعی، نظم‌پذیری، عدالت اجتماعی و نظایر آن است (محبوبی منش، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

1 Emile Durkheim

2 Mechanical Solidarity

3 Organic Solidarity

یکی از کاراترین نظریه‌های جامعه‌شناختی در مورد تبیین مسائل اجتماعی، نظریه نظام اجتماعی **تالکوت پارسونز**^۱ است. جامعه در مفهوم عام خود، به مثابه کلیت نظام زندگی اجتماعی انسانی متضمن اجزای کلان و خرد در مجموعه ای واحد و منتظم بر پایه - سلسله مراتب کنش‌های فردی و تعاملات و پویای‌های ساختی است. سرآغاز این دیدگاه راجع به جامعه در مفهوم کنش اجتماعی^۲ نهفته است. از این منظر کنش متضمن ساخت‌ها و فرایندهایی است که آدمی توسط آنها منویاتی معنادار را شکل می‌دهد و این منویات را به طور کم و بیش موفقیت آمیزی در وضعیت‌های انضمامی به انجام می‌رساند. جهت‌گیری ارزشی یکی از جهت‌گیری‌های اصلی کنش اجتماعی است و ثبات الگوهای فرهنگی به ثبات ارزشهای محوری در جامعه بستگی دارد. این موضوع وقتی تحقق می‌یابد که اعضای جامعه در فرایندهای نهادی و درونی شده ارزشها در جامعه شرکت جسته و آن را به انجام رسانده باشند؛ یعنی انگاره‌های فرهنگی ارزشی، درونی شده و بخشی از ساخت شخصیت کنشگر را تشکیل داده باشند. در چنین صورتی ارزشهای اجتماعی بخشی از نظام تمایل نیاز خواهند بود و میان انگیزش تکوین رفتار و عمل اجتماعی در جامعه نوعی یگانگی - به وجود خواهد آمد. تامین این نیاز منوط به تحقق صحیح فرایندهای نهادی شدن ارزشها در جامعه و موفقیت نهادهای فرهنگی در انجام وظایفی است که بر عهده دارند. در این جا نقشی که ساختارها و فرایندهای ساختاری در فرهنگ جامعه ایفا می‌کنند به خوبی آشکار می‌شود (صدرا و قنبری، ۱۳۸۷: ۵۶).

به زعم پارسونز هر کنش اجتماعی، با ارزشهایی همراه است که شرایط ساختی کنش را تشکیل می‌دهند. در نتیجه، فرد در انجام کنش اجتماعی باید دست به انتخاب ارزشها بزند. پارسونز این ارزشها را در قالب پنج دسته متغیرهای الگویی^۳ دو شقی، بیان می‌کند:

۱- خاص گرای-عام گرای: می‌توانم یک شی را چیزی خاص و منحصر به فرد، یا واحدی از یک طبقه عمومی به شمار آورم-فرق میان رفتار من با فرزندانم و با دانشجویانم.

۲- عاطفی-بی عاطفی: می‌توانم در یک رابطه با تمامی احساسات ام وارد شوم (رابطه با فرزندانم) یا احساسات خود را بی طرف نگاه دارم.

1 Talcot Parsons

2 Social Action

3 pattern variables

4 Specificity- Generalism

۳- کیفیت-عملکرد: می‌توانم برای شی به خاطر خودش ارزش قابل باشم (فرزندانم) یا بخاطر کاری که می‌توانم با آن انجام داد، یعنی جنبه ابزاری بالقوه آن (دانشجویانم).

۴- جامعیت-ویژگی: می‌توانم در رابطه ای کامل با همه جنبه‌های یک موضوع قرار بگیرم (فرزندانم) و یا فقط به یک فعالیت در این رابطه بپردازم (دانشجویانم) (کرایب، ۱۳۸۸: ۶۲). پارسونز نخستین بخش از هر جفت متغیر الگویی را معرف یک شخصیت ابرازی^۱ و دومین بخش را معرف یک شخصیت ابزاری^۲ می‌داند (مورگان، ۱۹۷۵). پارسونز تصریح می‌کند تفاوت بنیانی ممالک مدرن و سنتی، جهت گیری‌های ارزشی افراد در انجام کنش و به بیان دیگر تیپ شخصیتی افراد است (ازکیا، ۱۳۷۷).

اینگلهارت^۳ تحقیقات ارزشی خود را بر اساس ارزشهای فرهنگی جوامع مختلف پی ریزی می‌کند: یکی از معروفترین کارها در حوزه سنجش ارزشها، مربوط به اینگلهارت است. اینگلهارت در معرفی نظریه خود تحت عنوان «دگرگونی ارزشها^۴»، ارزشها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم کرده و در خصوص سنجش ارزشها چنین توضیح داده که اگر چه سنجش و اندازه گیری مستقیم ارزشها مشکل است، لیکن وجودشان از طریق تاکید پیوسته بر انواع معینی از اهداف قابل استنباط است. وی اضافه کرده است که خواسته‌ها یا اهداف ممکن است در سه سطح فردی، میانه و کلان مطرح شوند.

این تفاوت‌ها در دو بُعد اصلی تداوم می‌یابند: ارزشهای سنتی^۵ در مقابل ارزشهای سکولار-عقلانی^۶ و ارزشهای بقاء در مقابل ارزشهای ابراز وجود. دگرگونی از ارزشهای سنتی به ارزشهای سکولار - عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط می‌شود. جوامع سنتی بر دین، ارزشهای سنتی و احترام و اطاعت از ارزشهای اقتدار تأکید می‌کنند؛ آنها به رد سقط جنین و داشتن سطوح بالای غرور ملی متمایل هستند. با رشد سطوح صنعتی شدن، این جوامع، سکولارتر و عقلانی‌تر می‌گردند. دگرگونی از ارزشهای بقاء به ارزشهای ابراز وجود با رشد جامعه فراصنعتی مرتبط می‌شود. این دگرگونی بازتاب تحول فرهنگی است که با جایگزینی نسل جوانی که در بقاء رشد کرده‌اند،

1- Expressive

2 Instrument

3 Englehart

4 Values Transform

5 Traditional Values

6 Secular-rational

به وقوع می‌پیوندد. ارزشهای بقاء اولویت بالایی برای امنیت اقتصادی و فیزیکی و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی قائل می‌شوند. ارزشهای ابراز وجود به آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری، فعالیت سیاسی، حمایت از محیط زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل نسبت به اقلیت‌های قومی، دسته‌ها و گروه‌های مختلف، اولویت بالایی اختصاص می‌دهند. رشد تأکید بر این ارزشها به شکل‌گیری فرهنگ اعتماد و تساهل می‌انجامد که در آن افراد ارزش والایی برای آزادی فردی و ابراز وجود قائل شده و جهت‌گیری‌های سیاسی فعالانه‌ای خواهند داشت. این خصایص برای دموکراسی حیاتی هستند و بنابراین نحوه تأثیر رشد اقتصادی بر فرایند دموکراتیک شدن را تبیین می‌کنند (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۱۵).

مقیاس ارزشهای وی شامل سنجه‌ای دوازده ارزشی است که خواسته‌های زیر را دربر

می‌گیرد:

۱- حفظ نظم کشور ۲- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، ۳- مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، ۴- دفاع از آزادی بیان، ۵- حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، ۶- اطمینان از قدرت نیروی دفاعی کشور، ۷- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماعشان، ۸- کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، ۹- حفظ اقتصاد با ثبات، ۱۰- مبارزه با تبهکاری، ۱۱- حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر، ۱۲- حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش‌اندیشه‌ها در آن بیش از پول است (همان منبع، ۸۳).

گی‌روشه در تعریف ارزش می‌گوید شیوه‌ای از بودن یا عمل که یک شخص یا یک جمع به عنوان آرمان می‌شناسد و افراد یا رفتارهایی را که بدان نسبت داده می‌شود مطلوب و متشخص می‌سازد (گی‌روشه، ۱۳۸۷: ۷۶). وی خاطر نشان می‌سازد که ارزشها دارای سه کارکرد اجتماعی می‌باشد: ۱- انسجام مدلهای ۲- وحدت روانی اشخاص ۳- یگانگی اجتماعی (همان منبع، ۸۹).

از نظر گی‌روشه فرایند تکوین ارزشها از نمادها آغاز می‌گردد: نمادها کمک می‌کنند تا عمل‌کنندگان اجتماعی را با وسایل گوناگون ارتباطی که به خدمت می‌گیرند، به یکدیگر مرتبط سازند و همچنین نمادها آنها را در پیوند دادن به ارزشهای یاری می‌رسانند. ارزشهایی که خود این نمادها بیان عینی و قابل مشاهده آن هستند، بالاخره نمادها مشارکت و همانندی اشخاص و گروهها را با جماعت به طور مداوم ایجاد می‌کنند و دائماً همبستگی‌های ضروری را برای

زندگی اجتماعی تجدید می‌نمایند. جهان آرمانی ارزشها از طریق نمادها به واقعیت تبدیل می‌شود. تمایل هنجاری کنش اجتماعی از طریق و به وسیله انبوهی از اشکال نمادی بر لایه عمیق تر کنش گرایش به ارزشها فشار می‌آورد. این پایه‌های آرمانی هستند که تمایل هنجاری کنش را را معنای واقعی و انسجام درونی می‌بخشند. تمایل هنجاری کنش به نوبه خود به ارزشهایی که در رفتارهای عینی یا نمادی تحقق می‌یابد حیات و واقعیت می‌بخشد (همان منبع، ۱۰۵).

هر چند که توافق گرایان بر نظم و توافق تاکید دارند تضاد گرایان بر کشمکش و قدرت تمرکز دارند. تأکید ویژه ستیزگرایان بر منافع و نیازها، اجبارها و الزامات و بعضاً اغواوات و فریب‌ها، انشعابها و انفصال‌ها، گسست‌ها، خصومت‌ها، ستیزها و تنش‌های ساختاری و گروهی، قدرت‌های فیزیکی و مبتنی بر زور و تهدید و تغییر و بی‌ثباتی است. به طرز خاص وفاق گرایان، گرایشی خاص به عنصر حضور و ثبات و نگاه غیر فرآیندی دارند و در عوض ستیزگرایان، تمایلی عمده به عنصر نفی، غیاب، نابرابری، تغییر و نگاه‌های فرآیندی و البته رو به رشد و خلاقیت دارند (محبوبی منش، ۱۳۹۴: ۱۵).

به اعتقاد کوزر^۱، در هر ساختار اجتماعی شرایط وقوع ستیزه وجود دارد. زیرا بین افراد و گروه‌های فرعی آن گاهی ادعاهای رقابت آمیز بر سر منابع کمیاب، حیثیت‌ها و وضعیت قدرت به وجود می‌آید. از نظر چگونگی بروز ادعاهای تعارض آمیز بین ساختارهای اجتماعی تفاوت وجود دارد. بعضی از آنها بیش از دیگر گروه‌ها نسبت به ستیزه بردباری نشان می‌دهند. گروه‌های بسیار منسجمی که در آنها کنش متقابل فراوان و شخصیت افراد به گروه وابسته است، کمتر به ستیزه گرایش دارند. از آنجا که همین گروه‌ها شرایط گوناگون وقوع دشمنی را فراهم می‌کنند، عمل کردن خارج از چارچوب این احساس‌ها برای ارتباط‌های عاطفی مضر است. از این رو پیوسته گرایش بر این است که بر دامن زدن بر احساس دشمنی از بروز آن جلوگیری شود. بنابراین، در گروه‌های بسیار همبسته احساس‌های دشمنی، بیشتر می‌شود. در گروه‌هایی که اعضای آن فقط مشارکت جزئی داشته باشند ستیزه کمتر مخرب است (لوئیس کوزر، برنارد روزنبرگ، ۱۳۹۳: ۲۱۲).

در نظریه کنش ارتباطی **هابرماس**، بحران در سرمایه داری متأخر به منزله بخشی از نظریه کلان تکامل اجتماعی صورتبندی شده است آن چه در این نظریه از اهمیت بسیاری برخوردار است، نگاه دوگانه انگار آن به جامعه به منزله «زیست جهان»^۱ و «سیستم»^۲ است. زیست جهان به حوزه ای از رفتار اشاره دارد که در آن هماهنگی میان کنشگران و نظم و قاعده از طریق باورها و ارزشهای مشترک حاصل می‌شود؛ در زیست جهان انسان‌ها برای ساختن هویت‌ها، مذاکره درباره تعریف موقعیت‌ها، هماهنگ کردن کنش‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی، از رسوم و سنت‌های فرهنگی کمک می‌گیرند. زیست جهان از طریق حفظ هویت‌ها و انگیزه‌هایی که برای ثبات نهادی ضروری اند وجود جامعه را ممکن می‌سازد (سیدمن، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

ساختارهای نمادین زیست جهان از طریق استمرار و تداوم معرفت معتبر (استمرار سنت، انسجام و عقلانیت معرفت)، تثبیت انسجام گروهی (تثبیت هویت‌های گروهی، همبستگی) و اجتماعی شدن کنشگران مسئول (انتقال توانش‌های تعمیم‌یافته کنش، هماهنگ‌سازی زندگینامه‌های فردی با صور جمعی زندگی) بازتولید می‌شود (ویلیام اوت ویت، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

از نظر هابرماس حاصل وضعیت فعلی سلطه سیستم بر جهان زیست، از دست رفتن معنا، تزلزل هویت جمعی، بی‌هنجاری، بیگانگی و شیئی‌گونی جامعه است. از نظر وی گسترش و استقلال زیست جهان و توسعه حوزه عقلانیت فرهنگی مستلزم رشد توانائی تفاهم و ارتباط است (بشیریه، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

در نظریه **بورديو** فرهنگ نقطه کانونی قرار دارد و ارزشها جزئی از فرهنگ محسوب می‌گردند و به وسیله آن به تبیین سلطه طبقاتی می‌پردازد از این جهت بورديو اعتقاد دارد که طبقات و قشرها آن سبک‌های زندگی کم و بیش همگنی را به وجود می‌آورند و می‌توان الگوهای فرهنگی طبقاتی مشترکی را در آنها یافت. و فرهنگ که از نظر بورديو عبارت از نمادها، معانی، کالاهای فرهنگی (موسیقی، ادبیات روشنفکرانه گرفته و سرمایه و منابع و تا غذا و اسباب و اثاث خانه) می‌باشد همواره مهرطبقاتی برپیشانی دارند. (سیدمن، ۱۳۹۲: ۱۹۸) از نظر بورديو طبقات مسلط سعی می‌کنند که ارزشهای فرهنگی و معیارها و ذائقه‌های خود را بر کل جامعه تحمیل کنند.

1 . lifeworld
2 System

نظریه انتخاب عقلانی^۱ یکی از نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی که به کنشها در سطح فردی می‌پردازد و در رشته‌های دیگر علوم انسانی جایگاه خاصی پیدا کرده است. اصول بنیادی نظریه انتخاب عقلانی از اقتصاد نوکلاسیک^۲ سرچشمه گرفته است. تأکید و تمرکز نظریه انتخاب عقلانی بر روی کنشگران است. به اعتقاد نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی، کنشگران دارای هدف و نیت هستند. یعنی مقاصد یا اهدافی را برای کنشهایشان در نظر دارند. کنشگران همچنین دارای اولویت‌ها^۳ (یا ارزشها و منفعت‌ها) هستند. نظریه انتخاب عقلانی به این قضیه کاری ندارد که این اولویتها یا منابع آنها چه چیزهایی هستند. از جمله نکات مهم این نظریه این است که کنش در راستای نیل به اهدافی عمل می‌کند که با سلسله‌مراتب اولویت کنشگر هماهنگی دارد (لیتل، ۱۳۷۳).

نظریه مشارکت^۴، نظریه بازی^۵ و نظریه کنش جمعی^۶ از مهمترین رویکردهای نظری تئوری انتخاب عقلانی محسوب می‌گردد. چون در اینجا موضوع کنشهای فردی و انتخاب گری و نیت کنشگر مطرح است نقش ارزشها در تعیین و جهت دهی به انتخاب افراد مهم می‌شود.

کلمن^۷ مهم ترین شخصی است که باعث رشد نظریه انتخاب عقلانی در جامعه‌شناسی معاصر شد (نظریه انتخاب عقلانی باور دارد که تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد) بنابراین از نگاه کلمن تعامل اجتماعی به عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود. و سرمایه اجتماعی برای او وسیله ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد بایکدیگر است برای کسب سود است. نتیجه اینکه او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد. و آن را منبعی برای همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی می‌داند (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

زولنای^۸ بنابر نظر زولنای یک نوع‌شناسی کامل از انتخابهای افراد، می‌تواند بر پایه این دو مقوله «وظیفه»، «نفع فردی»، یا جنبه بنا شود. این مقوله‌ها عبارت اند از:

-
- 1- Rational Choice Theory
 - 2- Neoclassical economics
 - 3- Preferences
 - 4 Participation Theory
 - 5 Game Theory
 - 6 Collective Action Theory
 - 7 Coleman
 - 8 Zohnaya

به دنبال بررسی تنوع انتخابها در نظریه انتخاب عقلانی، با در نظر گرفتن سه مقوله و «عشق»، سه جنبه از انتخاب را چنین بیان می‌کند:

۱- انتخاب اخلاقی: تنها به حداکثر رساندن ارزش رعایت هنجارها؛ ۲- انتخاب عقلانی: تنها به حداکثر رساندن (یا افزایش) ارزش نفع فردی؛ ۳- انتخاب دیگرخواهانه: تنها به حداکثر رساندن ارزش نفع دیگران؛ ۴- انتخاب عقلانی محدود شده توسط هنجارها: فرد به دنبال به حداکثر رساندن ارزش رعایت هنجارها و نفع فردی است، بدین معنی که هنجارها بر فرد فشار می‌آورد که نفع فردی را تعقیب کند؛ ۵- انتخاب تقدس اخلاقی: فرد ممکن است که تمایل داشته باشد که هم ارزش رعایت هنجارها و هم ارزش رعایت نفع دیگران را به حداکثر برساند. در این گزینه، تعقیب نفع فردی توسط شخص هرگز در نظر گرفته نمی‌شود؛ ۶- انتخاب همیارانه: فرد ممکن است هم به دنبال افزایش نفع فردی و هم نفع دیگران باشد. همکاری، در تعریف جامعه شناسانه آن، این انتخاب را در بر می‌گیرد؛ ۷- انتخاب عقلانی-اجتماعی: در این گزینه فرد به دنبال به حداکثر رساندن توامان هر سه ارزش رعایت نفع فردی، رعایت نفع دیگران و رعایت هنجارها است (Zsolnai, 1998:616).

نظریه کنش متقابل نمادین^۱ از دیگر نظریه‌های مهم جامعه‌شناسی که بر جامعه پذیری اولیه کنشگران، کنشهای بین فردی، ارتباطات نمادین، زبان و ارزشهای فردی تاکید دارد. این نظریه بر این مسئله متمرکز شده است که مردم چه معنایی را برای کنش متقابل با دیگران یاد گرفته اند؟ چگونه معانی ایجاد شده اند؟ و چگونه دیگران به این معانی پاسخ می‌دهند؟ چگونه افراد با یکدیگر باید ارتباط برقرار کنند؟ در جریان کنش و واکنش، چگونه پاسخ مناسب نسبت به یکدیگر تولید می‌شود؟ و چگونه مردم دنیای اطراف شان را معنا دار می‌سازند؟ (آزاد ارمکی، ۱۳۸۸: ۱۸).

از نگاه این دیدگاه فراگیری ارزشها در قالب فرایند یادگیری رفتار اجتماعی که به نوعی مترادف با فرایند جامعه پذیری است، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در واقع ارزشها در این دیدگاه از طریق سرمشق گرفتن از الگوهای مرجع انسانی و فکر کردن آموزش داده می‌شود. در یک چنین دیدگاهی، نظریه کنش متقابل نمادین را تأکید بر شکل خاصی از کنش متقابل اجتماعی جامعه پذیری سوق می‌دهد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

1 Social interaction

جورج هربرت مید^۱ از صاحب نظران اصلی دیدگاه کنش متقابل نمادین اظهار در خصوص من (ارزشهای) فردی و من (ارزشهای) اجتماعی بیان می‌دارد: «من^۲» تظاهر ذهن در انسان است و «من اجتماعی^۳» تظاهر جامعه در انسان است. آن قسمت از جامعه که برای فرد دارای اهمیت است من اجتماعی است و آن قسمت از ذهن که برای انسان مهم می‌باشد من است. من به خود این امکان را می‌دهد که معانی موجود در واقعیت‌های اجتماعی که از طریق من اجتماعی شناخته را تعریف و معنا کرده و به موضوعات مهم و با معنی تبدیل کند. هنگامی موضوعی قابل اهمیت باشد مفاهیم کلامی و عاطفی آن از طریق تجربه اجتماعی در قالب زبان نمادی می‌شوند و قابل یادگیری (تنهایی، ۱۳۸۶: ۴۲۸).

«من اجتماعی» واقعیتی است که برای جامعه مهم تلقی می‌شود. این واقعیت معمولاً همان هنجاری فرهنگی جامعه و گروه‌های اجتماعی است. پس ممکن است در یک جامعه هزاران هزار هنجار موجود باشد. ولی انسان تنها با برخی از این هنجارها بایستی هم‌نوا و منطبق شود. پس من اجتماعی واقعیتی نسبی است که در گروه و طبقات مختلف متفاوت است. پس دوگونه کنش، یکی فردی و دیگری اجتماعی موجود است. یکی کنش فردی که معرف خودفردی در تجربه اجتماعی و دیگری خود اجتماعی که با کنش اجتماعی جلوه می‌کند (همان منبع، ۴۳۱).

حال پس از اینکه به مقوله ارزشهای اجتماعی در میان نظریه پردازان و مکاتب مربوطه پرداخته شد به فرایند تغییر در ارزشهای اجتماعی می‌پردازیم.

تغییرات در ارزشها و هنجارهای اجتماعی از طریق فرایندهای مختلف رخ می‌دهد یکی متأثر از تغییر تاریخی در شرایط زندگی است که از طریق نوآوری‌های تکنولوژیکی، تغییرات در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی و تغییرات در ایده‌ها و اشکال فرهنگی اتفاق می‌افتد. همچنین تغییر در ارزشها و هنجارهای اجتماعی نیز از طریق تغییر در زیر گروه های^۴ واحدهای اجتماعی رخ می‌دهد. یکی دیگر از عوامل تغییر، قرار گرفتن در معرض سازمان‌های اجتماعی است که تأثیرات اجتماعی متمایزی را اعمال می‌کنند (Borgatta and Montgomery, 2000).

1 Mead

2 I

3 Me

4 subgroups

کنشهای انسانی یک جریان پویاست که همیشه در حال شدن و تغییر است. و این روند را می‌توان با اصل دیالکتیک^۱ توضیح داد؛ اصل دیالکتیک، یعنی تمامیتی که اجزاء آنها در تقابل‌های دوگانه، و بیش تر نشان دهنده ی خصلت حرکت و تغییر و پویایی آن است... تفاوت‌های حساسی که اگر چه متفاوت اند، ولی با اشتراک میان اجزاء متفاوت، با هر درجه ای از تفاوت، هماهنگ شده است، یک کل تمام را تشکیل می‌دهد. به این معنی تمام جهان هستی، و براتب جهان اجتماعی، یا جامعه یک دیالکتیک است (تنهایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

بر مبنای این رویکرد، گذشته، حال و آینده با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و نمی‌توانیم به تفکیک آنها اکتفا نماییم. پس زمان حال نمی‌تواند بی تأثیر از گذشته باشد و از ترکیب حال و گذشته، آینده ساخته می‌شود (غفاری، ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵: ۳۱۴). در قالب رویکرد دیالکتیکی به تاثیر و اثرات متعامل و متقابل نیروها که منجر به ظهور واقعیت‌هایی در سطح بالاتر می‌شود، توجه می‌شود (همان منبع، ۳۱۶).

ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی مشتمل بر دو بعد فردی و جمعی می‌شود: فردگرایی را می‌توان جهان‌بینی‌ای تصور کرد که فرد در مرکز آن قرار دارد. اهداف فردی، ویژگی‌های منحصربه‌فرد، فرمان راندن بر خویشتن، کنترل شخصی در عین احترام به فردیت دیگران و توجه به مسائل اجتماعی از خصوصیات این نوع جهان‌بینی است. جمع‌گرایی را نیز می‌توان وجود یک سری تعهدهای گروهی و متقابل میان اعضای گروه بدانیم که افراد موظف به اجرای آنها هستند.

معمولاً در هر موقعیت تاریخی و عینی هر دو نوع رابطه را می‌توان دید. فرد یکپارچگی شخصیت خود را بدون هماهنگی کامل با هنجارهای منطقی، عینی مذهبی و اخلاقی نمی‌تواند به دست آورد. برعکس تضاد و ستیزه نه تنها مقدم بر این وحدت است، بلکه در هر لحظه از موجودیت خود نقش دارد. به همین دلیل، احتمالاً هیچ واحد اجتماعی وجود ندارد که بین اعضای آن جریانهای همگرا و واگرا به طور تفکیک ناپذیری درهم تنیده نباشد. یک گروه مطلقاً مرکزگرا و هماهنگ، یعنی وحدت ناب، نه تنها در عمل واقعیت ندارد، بلکه فرایند زندگی واقعی را هم نشان نمی‌دهد (لوئیس کوزر، برنارد روزنبرگ، ۱۳۹۳: ۲۰۷).

روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی^۱ با رویکرد دیالکتیکی است. پس از جمع آوری و مطالعات عمیق رویکردهای نظری و توصیف ارزشهای اجتماعی به گونه بندی و دسته بندی آن پرداخته شد و سپس با رویکرد دیالکتیک به تبیین ارزشها در حوزه عمومی پرداخته و در پایان ارزشهای اجتماعی بر اساس مصداق جامعه شناسی، عملیاتی و معرفت‌سازی می‌شود.

مفاهیم اساسی تحقیق

آلن بیرو^۲، در کتاب فرهنگ علوم اجتماعی، ارزشهای اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری ارزشهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند که با پذیرش عمومی همراه است، می‌داند. این ارزشها لزوماً از دیگر اقسام ارزش مانند ارزش شخصی، فرهنگی، قضایی و... متمایز نیستند. اینها شامل تمام انواع ارزش هستند که افراد با آنها حیات اجتماعی را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آنان به نوعی وفاق می‌رسند. در معنایی محدودتر، گاهی از ارزشهای اجتماعی تحت عنوان ارزشهای اخلاقی، فرهنگی و دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشد و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می‌انجامد. بدین‌سان، عدالت، نوع‌دوستی و... جزء ارزشهای اجتماعی محسوب می‌شوند (بیرو، ۱۳۸۵: ۳۸۶).

از نظر میرزایی ارزشهای اجتماعی کیفیت‌ها، اعتقادات و معیارهای اخلاقی یا حرفه‌ای معینی در خصوص سودمند یا مفید بودن امری یا چیزی درون یک فرهنگ معین یا گروهی از مردمان است. بنابراین، ارزشهای اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای فرهنگی مشترک و ارزشهای فردی‌ای هستند که گروهی از مردمان به آنها اعتقاد یا باور دارند. این ارزشها می‌توانند ارزشهای نوع‌دوستانه یا دگرخواهانه، همکارانه، فردگرایانه و رقابت‌گرانه باشند (میرزایی، ۱۳۹۵: ۷۵).

از نظر هابرماس^۳ هر اجتماعی دارای سه حوزه است: ۱- حوزه خصوصی ۲- حوزه عمومی ۳- حوزه حاکمیت.

1 Descriptive-Analytical

2 Alain Birou

3 Habermas

در عرصه خصوصی، افکار و عقاید شخصی شکل می‌گیرد، ابتکارات و خلاقیت‌های جدید به صورت فردی در حوزه کوچک ساخته و پرورده می‌شوند، سپس این عقاید و ابتکارات به حوزه عمومی جامعه آزاد، آورده می‌شود. در حوزه عمومی، جامعه ۱- آزادانه ۲- خردمندانه ۳- دور از هر نوع سلطه ۴- به گفتگو پرداخته ۵- در روابط خود تصمیم‌گیری می‌نماید. در نهایت این تصمیمات مورد اجماع حوزه عمومی، تبدیل به هنجار و ارزش شده و مورد تبعیت و پیروی شهروندان واقع می‌شود و بخش دیگر که جنبه الزام‌آور دارد و نیاز به امکانات و پشتیبانی دارد با استفاده از ساز و کارهایی در دستور کار حاکمیت برای قانونی شدن (دستور العمل، آیین‌نامه و قانون) قرار می‌گیرد (نظام بهرام، ۱۳۸۱: ۷۷).

در برخی منابع از حوزه عمومی به حوزه سوم^۱ یاد می‌شود: اصطلاحی است که برای توصیف گستره‌ای از سازمان‌هایی که نه بخش دولتی و نه بخش خصوصی هستند استفاده می‌شود. این شامل سازمان‌های داوطلبانه و اجتماعی (هر دو موسسات خیریه ثبت شده و سایر سازمان‌ها مانند انجمن‌ها، گروه‌های خودآموزی و گروه‌های اجتماعی)، شرکت‌های اجتماعی، متقاضیان و همکاران می‌باشد مستقل از دولت و ارزش محور هستند. این به این معنی است که آنها تمایل به دستیابی به اهداف اجتماعی (مثلاً بهبود رفاه عمومی، محیط زیست یا رفاه اقتصادی) را به جای تمایل به توزیع سود در نظر می‌گیرند. اغلب به عنوان ویژگی‌های غیر سیستم شناخته می‌شود. بر خلاف دولت و اقتصاد بازار، چیزی است که به سختی می‌تواند با برنامه ریزی دقیق تنظیم شود بدون آنکه برخی از ویژگی‌های بخش سوم خود را از دست بدهد مانند مشارکت داوطلبانه، انگیزه مبتنی بر ارزش و استقلال بیشتر از ساختارهای نهادینه شده است (www.nao.org.uk).

با توجه به تعاریف ارائه شده بالا ارزشهای اجتماعی در هر جامعه و فرهنگی نمود معینی پیدا می‌کند و در معنای عام کلمه ارزشهای اجتماعی همه ارزشها را دربر می‌گیرد و به معنای خاص کلمه ارزشهای اخلاقی و انسانی را شامل می‌شود. از سوی، گفته شد حوزه عمومی مرز حایل بین حوزه خصوصی و حاکمیتی است یعنی جایی که نه دولت در آن دخالت چندانی دارد و نه فضای کاملاً خصوصی و شخصی شده است بلکه فضای همدلی، همکاری و تعاون است.

تلفیق نظری محقق

یکی از اهدافی که در این مقاله بدنبال آن بودیم، شناسایی ارزشهای اجتماعی در اندیشه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و سپس گونه‌بندی ارزشهای اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناسی است. همانطور که در ادبیات نظری تحقیق دیده شد، هر یک از جامعه‌شناسان با توجه به اصول موضوعه و مکتبی خویش برداشت‌های از ارزشها داشتند.

دورکیم از صاحب‌نظران دیدگاه توافقی ارزشهای اجتماعی جوامع با همبستگی مکانیکی و ارگانیکی در نظام ارزشهای سنتی و مدرن را مورد تفکیک قرار داده است. پارسونز ارزشهای خاص گرایی را در مقابل عام‌گرایی، ارزشهای کیفیت را در مقابل عملکرد، ارزشهای جامعیت را در مقابل ویژگی، ارزشهای عاطفی را در مقابل بی‌عاطفی با توجه به نظام ارزشی افراد به شخصیت ابزاری و ابزاری تقسیم‌بندی نموده است. هابرماس در دیدگاه تضاد، از سیطره ارزشهای عقلانیت ابزاری و سرمایه‌داری بر رسوم و سنتها در دو تقابل ارزشهای سیستم و زیست‌جهان سخن می‌راند. اینگلهارت و ولزل مبحث ارزشها را بصورت ارزشهای جهانی مطرح می‌نمایند. آنان معتقدند که بر اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزشهای مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزشهای مادی به ارزشهای فرامادی را نشان می‌دهد. در واقع نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت، جابجایی از اولویتهای مادی به سمت اولویتهای فرامادی را به طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند.

زولنای از صاحب‌نظران دیدگاه انتخاب عقلانی ارزشهای مورد تاکید افراد را بر اساس خرد انسانی در سطوح فردی و جمعی تقسیم‌بندی نموده سرانجام جورج هربرت مید در دیدگاه کنش متقابل نمادین ارزشهای دوران ایمائی و نمادی در نظام ارزشی من فردی و من اجتماعی از هم منفک نموده است. بر این اساس می‌بینیم در دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی، ارزشها به گونه صریح یا تلویحاً بکار گرفته می‌شود. جایگاه ارزشها در دیدگاه توافق روشن است. در دیدگاه تضاد، ارزشها شکل معکوس بخود می‌گیرد: یعنی ارزشهای مطرح شده مختص به طبقات و گروه‌های خاصیت که به استثمار حقوق دیگران می‌پردازند و هدف این دیدگاه شناسایی و افشا و مبارزه با این ارزشهاست. در دیدگاه کنش عقلانی افراد ارزشها را با سود و

زیان مورد سنجش قرار می‌دهند در دیدگاه کنش متقابل نمادین ارزشها بسته به تفسیر فرد از موقعیت قابل تفسیر و تغییر است.

جدول شماره (۱) دیدگاهها و گونه‌های ارزشی در دیدگاهها جامعه‌شناسی

نظریه پردازان	گونه یا مصداق ارزشی	دیدگاه	تقابل‌های ارزشی
دورکیم	همبستگی (ارزشها) مکانیکی - همبستگی (ارزشها) ارگانیکی	توافقی	جوامع ابتدایی/جوامع مدرن
پارسونز	ارزشهای خاص گرایی - عام گرایی، ارزشهای کیفیت - عملکرد، ارزشهای جامعیت - ویژگی، ارزشهای عاطفی - بی عاطفی	توافقی	شخصیت ابزاری/شخصیت ابزاری
اینگلهارت	ارزشهای مادی (۱- حفظ نظم کشور ۲- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم گیرهای دولت، ۳- مبارزه علیه افزایش قیمت ها، ۴- دفاع از آزادی بیان، ۵- حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، ۶- اطمینان از قدرت نیروی دفاعی کشو) ارزشهای فرا مادی (۱- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم گیرهای مربوط به کار و اجتماعشان، ۲- کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها ۳- حفظ اقتصاد با ثبات، ۴- مبارزه با تبه‌کاری، ۵- حرکت به سوی جامعه ای دوستانه تر و انسانی تر، ۶- حرکت به سوی جامعه ای که ارزش اندیشه‌ها در آن بیش از پول است)	توافقی	ارزشهای بقاء ارزشهای ابراز وجود
هابرماس	همه‌هنگ کردن کنش‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی، از رسوم و سنت‌های فرهنگی از جمله ارزشهای زیست جهان می‌باشد ولی در سیستم ارزشهای عقلانیت ابزاری و سرمایه داری زیست جهان را در تسخیر پول و قدرت درآورده است.	تضاد	زیست جهان / سیستم
زولنای	انتخاب اخلاقی - انتخاب عقلانی - انتخاب دیگر خواهانه - انتخاب تقدس اخلاقی - انتخاب همیارانه - انتخاب عقلانی - اجتماعی - انتخاب عقلانی محدود شده توسط هنجارها	انتخاب عقلانی	انتخاب عقلانی فردی / انتخاب عقلانی جمعی
مید	من اجتماعی، دوران ایمانی (تشکیل رفتار و یا ساختار اجتماعی بر اساس نقش بازی، تقلید) من فردی، دوران نمادی (تشکیل رفتار و ساختار اجتماعی بر اساس تفسیر و نقش گیری)	کنش متقابل نمادین	من فردی/من اجتماعی

با جمع بندی ارزشهای اجتماعی در دیدگاه‌های مختلف، به این نتیجه می‌رسیم ارزشهای اجتماعی در بسیاری از ابعاد و خصوصیات از هم مجزا و قابل گونه بندی هستند. بعنوان نمونه در دیدگاه تضاد، ارزشهای قدرت، ثروت، و یا در دیدگاه توافقی ارزشهایی چون سنتها، همنوایی و امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو اگر بخواهیم ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی را بر اساس دیدگاه‌های مختلف در قالب آن توضیح، تفسیر و گونه بندی نماییم، می‌توان از تقسیم بندی ارزشهای دهگانه شوارتز بهره گرفت. با عنایت به نمودار شماره (۱) بدین ترتیب پنج مولفه ارزشی شوارتز یعنی: ۱- قدرت ۲- منابع ۳- موفقیت ۴- لذت جویی ۵- برانگیختگی با دیدگاههای تضادی و پنج مولفه ۱- خیرخواهی ۲- سنت ۳- همنوایی ۴- جهانگرایی ۵- ایمنی با دیدگاه توافقی همگرایی دارد. همچنین ارزشها در دیدگاه کنش متقابل نمادین و انتخاب عقلانی متناسب با موقعیت، سود و زیان فردی می‌تواند هر یک از مولفه‌های فوق را دربر گیرد. انواع ارزشی دهگانه شوارتز در مجموع به دو بُعد ارزشهای جمع گرایانه و ارزشهای فردگرایانه به شیوه زیر تقسیم می‌شوند: ۱- ارزشهای جمع گرایانه: شامل خیرخواهی، جهان گرایی، سنت، امنیت و همنوایی ۲- ارزشهای فردگرایانه: شامل قدرت، استقلال، زندگی، زندگی هیجان انگیز و لذت گرایی (داریان پور، ۱۳۸۶: ۶).

بیان شد ارزشها تحت تاثیر عوامل گوناگونی از جمله سیر تاریخی، پیشرفت، جنگها، مراودات فرهنگی و اجتماعی، تکنیک و فن آوری‌ها و با مدرنیته شدن در حال تغییر هستند. پدیده‌های اجتماعی ترکیبی از ذهنیت و عینیت است؛ واقعیتی ناتمام که همیشه در حال تغییر و شدن هستند و این پدیده‌های اجتماعی بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و یکدیگر را مشروط و محدود می‌کنند. ارزشهای اجتماعی بعنوان پدیده اجتماعی پویا متاثر از واقعیت‌های محیطی و تغییرات درونیست. و در این میان ارزشها در کشاکش تمام نشدنی تقابلهای دوتایی قرار دارند. باتوجه به جدول شماره (۱) ارزشهای جوامع با همبستگی مکانیکی در مقابل همبستگی ارگانیکی-زیست جهان در مقابل سیستم-شخصیت ایزاری در مقابل ابرازی-عقلانیت فردی در مقابل عقلانیت جمعی-ارزشهای بقا در مقابل ارزشهای ابراز وجود- من فردی در برابر من اجتماعی، از این رو بر اساس اصل دیالکتیک در درون هر تزی آنتی تزی آن نیز شکل می‌گیرد و سپس در روند زمان سنتز جدیدی حاصل می‌آید. در واقع حیات اجتماعی ما در جدال همیشگی تغییرات بسر می‌برد.



نمودار شماره (۱) ارزشهای شوارتز

ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی نیز در دیالکتیک ناتمامی از جایگزینی ارزشهای نوین بجای ارزشهای سنتی قرار دارند. این تغییر در اعصار گذشته بسیار نامحسوس و بطئی بوده ولی با مدرنیته شدن، جهانی شدن و پیچیدگی روابط اجتماعی و همچنین غلبه عقلانیت و تقسیم فزاینده کار، شرایطی را بوجود آورده که بر سرعت و تنوع ارزشها افزوده شده و این امر بر تشدید غلبه ارزشهای فردی بر ارزشهای جمعی افزوده است. پس با توجه به اصل دیالکتیک، وجود ستیزه درونی در هر گروه اجتماعی اجتناب ناپذیر است حتی در حوزه عمومی هم قابل مشاهده است هر چند که توجه به ارزشهای اجتماعی جمعی، خیرخواهی، مشارکت از اصول بنیادین آن محسوب می‌گردد. در درون ارزشهای جمعی ارزشهای فردی رشد و غلبه پیدا می‌کند.

با جمع بندی نظریات جامعه شناسان دو قطب ارزشهای فردی و جمعی و سپس تدوین آنها در قالب ۵ قسمتی مدل جمعی و فردی عینا در دیدگاههای جامعه‌شناسی قابل رصدند و حضور دارند لذا در سطح اجتماعی و فردی برای ارزشهای حوزه عمومی متناظرهای خاص محقق ساخته، تدوین گردید.

جدول شماره (۲) ابعاد و معرف‌های ارزش‌های اجتماعی در حوزه عمومی

مفهوم	ابعاد	مولفه	معرف‌های اجتماعی براساس ارزش‌های: جامعه ارگانیک، شخصیت ابزاری، سیستم، ارزش‌های مادی، انتخاب عقلانی فردی، من فردی	گویه
		قدرت	نفوذ، تسلط، رقابت جویی	۱- من به واسطه ی نفوذهای اجتماعی می‌توانم کمک‌های مناسبی به گروه برسانم. ۲-دوست دارم بعنوان عضو فعال گروه، کلام و رفتارم نافذ باشد. ۳-از اینکه برای رسیدن به اهدافم با دیگران مشاجره و مبارزه کنم ترسی ندارم.
		موفقیت	خودمحموری، توانایی، باور	۲-من توانایی لازم برای مسئولیت پذیری در کارهای بزرگ را دارم. ۱- اگر نظرات و پیشنهاداتم بکار بسته شود در تحقق اهداف سازمانی گروه بی شک موثر است. ۳- من به این باور رسیدم که می‌توانم به خیلی از چیزهایی که اراده کنم برسم.
		لذت طلبی	شادی جویی، تفنن	۱- فارغ از هر جنبه ای من به دنبال لذت و تفریح در گروه هستم. ۲- اگر در گروه، متحمل سختی و مشقت شوم دیگر لزومی به همکاری نمی بینم
		بازنگینگی	تغییر پذیری، هیجان انگیز، تنوع طلبی	۱-دوست دارم در زندگیم و روند کاریم همیشه تصمیمات خلاقانه ای بگیرم و به روش‌های معمول اکتفا نکنم. ۲- فعالیتهای هیجانی و چالشی برایم خوشایند می‌باشد. ۳- انجام فعالیتهای کلیشه ای برایم آزار دهنده خواهد بود.
		استقلال	خوداتکایی، بی عاطفی، عملکرد، خاص گرایی	۱- در انجام کارهایم دوست دارم آزادی عمل کامل داشته باشم. ۲- در انجام امورات زندگیم جدی هستم هیچگاه با احساس تصمیم نمی گیرم ۳- ملاکم برای ارزیابی افراد بر اساس شایستگی فردی اشخاص است ۴- منافع گروهی نباید جلوی پیشرفت و ترقی مرا بگیرد.

ادامه جدول شماره (۲) ابعاد و معرفهای ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی

مفهوم	ابعاد	مولفه	معرفهای اجتماعی براساس ارزشهای: جامعه ارگانیک، شخصیت ابزاری، سیستم، ارزشهای مادی، انتخاب عقلانی فردی، من فردی	گویه
ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی	جهانگردی	برابری، عدالت اجتماعی، صلح جهانی، محیط زیست	۱- همه مردم بدون تبعیض باید از امکانات اقتصادی و اجتماعی بهره مند شوند. ۲- من معتقدم همه انسانها باهم برادر و برابریم فرقی بین افراد نباید گذاشت ۳- هرگز دوست ندارم در هیچ جای دنیا جنگی رخ دهد ۴- بحران محیط زیست دیگر کشورها ربطی به کشور ما ندارد هر کشوری باید خودش مسئول حفظ محیط زیستش باشد	
		بخشنده، وفادار، مسئول، مشارکت	۱- تا جایی که از دستم برمی آید دوست دارم گره ی از مشکلات دیگران بگشایم. هر چند دچار مشقت شوم ۲- اگر قولی به کسی بدهم خود را ملزم به برآورده کردن آن می دانم. ۳- برای زندگی بهتر و کم تنش تر همه افراد و گروه ها با هر سلیقه و گرایشی در فعالیتهای جمعی باید مشارکت داده شوند.	
	سنت	آداب و رسوم، دینداری، خویشاوندگرایی،	۱- رعایت آداب و رسوم و سنت های گذشتگان کهنه پرستیدن است، نباید دلخوش به آن بود. ۲- رعایت شعایدینی و مذهبی بسیار برایم مهم است ۳- دید و بازدید اقوام و بزرگان فامیل را همیشه انجام می دهم ۴- من خود را ملزم به رعایت شعایر مذهبی می دانم. ۵- اگر به منصبی رسیدیم اقوام نسبت به دیگران در اولویت هستند حتی اگر شرایط لازم را نداشته باشند.	
	همسوزی	مودب بودن، مطیع، نظم فردی، احترام به والدین، پذیرش اجتماعی	۱- رعایت ادب و نزاکت در برخورد با دیگر شهروندان برایم بسیار مهم است. ۲- من به قانون احترام می گذارم هر چند نظارتی در کار نباشد. ۳- بر این باورم نظم فردی تک تک ما کلید نظم اجتماع است. ۴- والدینم اگر پیر و از کار افتاده شوند تحت هر شرایط نگهداری می کنم. ۵- معتقدم خودت خوب باشی همه باهات خوب هستند.	
	امنیت	امنیت خانواده، امنیت ملی، نظم اجتماعی	۱- برای حفظ امنیت ملی حتی خارج از مرزهای کشور جنگید و هر هزینه ای را پرداخت نمودم ۲- اگر در خانواده اختلافات جدی پیش آمد با هر شرایط باید تحمل کرد. ۳- معتقدم برای حفظ و نظم عمومی جامعه مجازاتهای سنگین اعمال شود. ۴- حفظ یاد و خاطرات و ارزشهای جنگ تحمیلی برایم مقدس است.	

مطابق با جدول شماره (۲) و براساس مدل گونه بندی شوارتز، ارزشهای اجتماعی در حوزه عمومی را عملیاتی و معرف سازی می‌نمایم با این تفاوت که در مقیاس شوارتز، ارزشهای فردی به صورت عبارت قیدی و ارزشهای جمعی به صورت مصدری به کار رفته است ولی در اینجا از معرفها و مصادیق جامعه‌شناسی استفاده می‌شود و ۳۷ گویه به پاسخگو داده شده و از وی درخواست می‌گردد که اهمیت هر گویه از نظر اصول و خط مشی زندگی، ارزشهای اجتماعی و گروهی، در یک طیف ۵ درجه ای (خیلی زیاد-زیاد-بی تفاوت-کم-خیلی کم) رتبه بندی نماید امتیاز نمره ۱ به یک ارزش، به معنای مخالفت آن ارزش با ارزشهای پاسخگو و نمره ۵ به منزله موافقت و هماهنگی بسیار با ارزشهای پاسخگو است. هر چه امتیاز کسب شده فرد و جامعه مورد مطالعه بالا باشد نشان دهنده ارزشهای جمع گرایانه خواهد بود و هر چه امتیاز کسب شده پایین باشد حکایت از ارزشهای فردگرایانه دارد.

جدول شماره (۳) حوزه‌های بنیادین کنشی و تقابلهای ارزشهای فردی و جمعی

مرتبط به آن

ارزش فردی	کنش‌های بنیادین	ارزش جمعی
لذت طلبی	←→ تامین زیستی ←→	سنت
شادجویی، تفنن		آداب و رسوم، دینداری، خویشاوندگرایی،
موفقیت	←→ تایید طلبی ←→	خیر خواهی
خودمحوری، توانایی، باور		بخشنده، وفادار، مسئول، مشارکت
قدرت	←→ سلطه ←→	جهانگرایی
نفوذ، تسلط، رقابت جویی		برابری، عدالت اجتماعی، صلح جهانی، محیط زیست
برانگیختگی	←→ خودبایی ←→	همنوایی
تغییر پذیری، هیجان انگیز، تنوع طلبی		مودب بودن، مطیع، نظم فردی، احترام به والدین، پذیرش اجتماعی
استقلال	←→ ایمن سازی ←→	امنیت
خوداتکایی، بی عاطفی، خاص گرایی		امنیت خانواده، امنیت ملی، نظم اجتماعی

در ساختار روابط ارزشی شاهد پنج حوزه کنشی بنیادی هستیم که بر حسب میزان گرایش به هر یک از دو قطب فردگرایی و جمع گرایی در این پنج حوزه کنشی، ده ارزش مرسوم شکل می‌گیرد. اولین کنش بشر تامین نیازهای مادی خود است که وقتی با تمرکز بر نیازهای فردی باشد منجر به لذت طلبی، شادی جویی می‌شود و چنانچه با توجه به دیگران باشد به سازگاری با جمع و در قالب سنت‌ها، آداب و رسوم و دیگران را در نظر گرفتن منجر می‌شود. **دومین** کنش بنیادین بشر تایید طلبی است. برای رسیدن به مقبولیت و مورد توجه قرار گرفتن در سطح فردی ارزش خودمحوری، بروز توانایی، باور به خود را انجام می‌دهد که منجر به موفقیت می‌شود. در سطح جمعی این کنش عمل بخشندگی، وفاداری، مسئول بودن و مشارکت را نشان می‌دهد که خیر خواهی بروز آن است. پی گیری موفقیت خود احتمالاً مانع بروز کنش هایی است که هدفشان توجه به رفاه دیگرانی است که به کمک شخصی نیاز دارند. **سومین** کنش انسان میل به تابع کردن دیگران و اراده خود را تحمیل نمودن است سلطه وقتی در قالب منافع فردی در می‌آید به زور و قدرت شخصی و دیگران را تحت انقیاد خود در آوردن تبدیل می‌شود و وقتی در جهت منافع جمع اعمال می‌شود به برابری، عدالت اجتماعی، صلح جهانی، منجر می‌گردد. **چهارمین** کنش انسانی ریشه در تغییر، هیجان‌ها و کردارهای بشری دارد این کنش زمانی که جهت گیری فردی می‌یابد به تنوع طلبی، هیجان و تغییرات فردی در زندگی او منجر می‌شود. و هنگامی که سمت سوی جمعی می‌یابد منجر به مطیع، همنوا شدن، انتظام و احترام در مقابل جمع می‌گردد تغییرات در این مرحله به کندی و بسیار نامحسوس است. **پنجمین** کنش بنیادین انسانها میل به استقلال و خودبستگی دارد در شرایطی که این کنش گرایش به فردیت داشته باشد. به خوداتکایی، خود مختاری، خاص گرایی می‌انجامد و زمانی که به منافع جمعی سوق پیدا کند، امنیت خانواده، نظم جمعی، امنیت ملی برای افراد مهم انگاشته می‌شود.

خلاصه و نتیجه گیری

موضوع ارزشها از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و متفکران هر عصری بوده است؛ ارزشهایی که اصول رفتاری، اخلاقی، آرمانی افراد، گروه‌های انسانی و فرهنگها را مشخص می‌نماید. علیرغم اهمیت ارزشها در جامعه‌شناسی تاکنون ارزشها بصورت اختصاصی در مکاتب جامعه‌شناسی

مورد توجه قرار نگرفته است از این رو سعی بر آن داشتیم که با مطالعه و بررسی این موضوع را، در این مقاله مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که توجه به ارزشها بر اساس دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی و جوع پنهان ارزشها اجتماعی را از زاویه جامعه‌شناسی مورد کنکاش قرار می‌دهد.

در دیدگاه توافقی ارزشهای اجتماعی به صورت ملموس در نظریه‌های جامعه‌شناسی بکار رفته است و تابعی از توافق همگان بر سر ارزشها بود. در دیدگاه تضاد ارزشها اجتماعی در دیدگاه تضادی بگونه ای دیگر مطرح است بطوری که صاحب‌نظران این دیدگاه به بیان و مخالفت با ارزشهای اجتماعی، خودخواهانه، فردگرایانه، متکی بر قدرت و سیطره بر حقوق دیگران توسط طبقه مسلط جامعه و اشخاص خاص می‌پردازد. در دیدگاه کنش متقابل نمادین به درونی شدن ارزشها در ادوار مختلف حیات اجتماعی فرد و در جریان کنش و در رابطه با تفسیر و معنای که شخص از موقعیت دارد بسته است و ممکن است این ارزشها جنبه خودخواهانه یا دگرخواهانه داشته باشد. در دیدگاه انتخاب عقلانی ارزشها اجتماعی بر پایه و سود و زیانی که از آن فرد می‌شود پی ریزی می‌شود.

بر اساس اصل دیالکتیک هر تزی آنتی تزی را در درونش می‌پروراند و به مرور سنتزی جدیدی حاصل می‌آید ارزشها نیز به عنوان واقعیت اجتماعی در حرکت، تغییر و تحول هستند، دیالکتیک ناتمامی از جایگزینی ارزشهای نوین بجای ارزشهای کهنه، ارزشها همیشه در حال تغییر بوده ولی به کندی و بطئی، ولی مدرنیزم برشتاب و دامنه تغییر ارزشها افزوده و این تغییر در حوزه عمومی جامعه جای که اصول ذاتی آن بر کمک و همیاری، احترام به سنتها، خیر جمعی می‌باشد جایش را به تکروی، استقلال، قدرت طلبی و در کل فردگرایی داده است.

برهمن اساس با اقتباس از مدل ارزشهای شوارتز و با کمی تغییرات، گونه‌های ۱۰گانه ارزشی مختلف را در غالب دیدگاههای جامعه‌شناسی قرار داده، همچنین گفته شد این ارزشهای ده گانه خود به دو قسمت عمده تقسیم شده که ۵گونه بر ارزشهای فردی و ۵ گونه بر ارزشهای جمعی دلالت دارند. جهت سنجش پذیر کردن ارزشهای اجتماعی ۳۷گویه طرح گردید که میزان گرایش جمعگرا یا فردگرا بودن اشخاص را مشخص می‌نماید.


همچنین مشخص شد تمام گونه‌های ارزشی از ۵کنش بنیادین دیگری نشات می‌گیرند که پایه و اساس میل اشخاص را بر حسب گرایش هایش به سوی اهداف فردی و جمعی نشان می‌دهند.

در این مقاله سعی داشتیم با رصد ارزشهای اجتماعی از چشم انداز جامعه‌شناسی و دیدگاه‌ها مختلف ضمن تلفیق نظری ارزشها اجتماعی، انعکاس گویاتر و جامع تر از تغییر ارزشها حوزه عمومی انجام دهیم. فهم ارزشها در هر جامعه ای در ترسیم و برنامه ریزی‌ها و خط مشی‌ها کمک شایانی خواهد نمود. حرکت جامعه به سوی فردگرایی یا جمع گرایی شاخص بسیار مهمی از نظر همبستگی اجتماعی اعضای جامعه، سنتی یا صنعتی شدن جامعه، مذهبی یا سکولار شدن جامعه... خواهد بود. همچنین مطالعه دقیق حرکت‌های ارزشهای اجتماعی، تجارب زیسته نسلها یعنی ارزشهای هر نسل نسبت به نسل ماقبل خود در چگونگی و میزان تغییرات، تعالی یا افول آن نقش مهمی خواهد داشت.

منابع:

- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۹)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. چاپ چهارم، مشهد: مرنندیز.
- استیون، سیدمن (۱۳۸۶)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، نظریه‌های امروز جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- اینگلهارت، رونالد، وولزل، کریستین. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: موسسه کیهان.
- داریاپور، زهرا (۱۳۸۶). مجله ساختار ارزشی و مناسبات نسلی. *جوانان و مناسبات نسلی*،
- دانیل، لیتل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی. درآمدی به فلسفه. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۷۴). مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی کتاب.
- فقهی فرمند، ناصر (۱۳۹۰). مدیریت تکنولوژی سازمان. چاپ دوم. تبریز: انتشارات فروزش.
- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی آگرا.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۹۳) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، چاپ دوم
- کاربخش راوری، ماشاءالله و فاطمه تویسرکانی راوری (۱۳۸۸): نقش و جایگاه آموزش در توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد، کرمان، اداره کل امور اجتماعی استانداری کرمان.
- کرایب، یان (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگه.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی.
- محبوبی منشی، حسین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی ارزش‌ها با تاکید بر نظم و امنیت. تهران: انتشارات دانشگاه انتظامی امین.

- میلز، سی‌رایت (۱۳۷۰). بینش جامعه‌شناختی نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکائی ترجمه عبدالمعبود انصاری. تهران: سهامی انتشار.
- نظام‌بهرامی، کمیل (۱۳۸۱). روابط عمومی از دیدگاه یورگن هابرماس، فصلنامه هنر هشتم، تابستان، سال هفتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۶
- وثوبت، ویلیام (۱۳۸۶). هابرماس معرفی انتقادی ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- Borgatta, Edgar F. & Montgomery, Rhonda J. V. (2000). Encyclopedia of Sociology, 2nd edition, USA: Macmillan Reference
- Schwartz, Shalom (2006). Basic Human Values: An Overview-Theory, measurement, and applications .
- Schwartz, Shalom. (1994). Are there universal aspects in the structure and contents of human values? Journal of Social Issues, 50, 19p45.
- Zsolnai, Laszlo(1998). Rational Choice and the Diversity of Choices Journal of Socio-Economics 1998. No. 5. pp. 613-622.
- www.nao.org.uk



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی